

## موارد صدور احکام ترافعی از سوی دادگاهها

حکم در لغت به معنای فرمان و دستور آمده و در اصطلاح حقوقی حکم دادگاه، رأیی است که به موجب آن، اختلاف در دادگاه خاتمه می‌یابد.



حکم در لغت به معنای فرمان و دستور آمده و در اصطلاح حقوقی حکم دادگاه، رأیی است که به موجب آن، اختلاف در دادگاه خاتمه می‌یابد. دادگاه در امور ترافعی از زمان اقامه دعوا تا پایان رسیدگی تصمیمات گوناگونی می‌گیرد. قسمت عمده تصمیمات دادگاه را احکام تشکیل می‌دهد. گرفتن حکم مطلوب در امور ترافعی، هدف اصلی خواهان از اقامه دعوا و هدف اصلی خوانده از پاسخ به دعوا است.

به گزارش [تابناک](#)؛ احکام ترافعی به برخی از آرای دادگاهها و آنها گفته می‌شود که راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن باشد بنابراین احکام در صورتی ترافعی هستند که اختلافی روی داده باشد و طرفین دعویشان را در دادگاه مطرح کرده باشند. مثلاً شخصی مدعی است که از دیگری مبلغی پول طلبکار است اما آن شخص انکار می‌کند. مدعی به دادگاه مراجعه می‌کند و دادگاه نیز در صورت احراز این امر، حکم به پرداخت طلب او می‌کند. به این حکم دادگاه که در مورد اختلاف پیش آمده بین طرفین صادر شده است، حکم ترافعی می‌گویند.

حکم ترافعی در مقابل حکم غیرترافعی قرار دارد. گاهی در امور حسبی که اختلاف و دعوایی در میان نیست، قانون امور حسبی، تصمیم دادگاه را حکم شمرده است. مانند ماده 324 قانون امور حسبی که در این موارد به احکام صادره از دادگاه، احکام غیرترافعی گفته می‌شود.

### معیار شناسایی احکام

چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن باشد حکم نامیده می‌شود. (ماده 299 قانون آیین دادرسی مدنی) با توجه به این ماده می‌توان گفت حکم دارای چهار عنصر است:

1- حکم در امور ترافعی صادر شده باشد؛ متن ماده 299 قانون آیین دادرسی مدنی روشن می‌سازد که حکم، تنها در امور ترافعی صادر می‌شود و امور حسبی را دربر نمی‌گیرد البته باید گفت در مواردی قانونگذار، تصمیم دادگاه در امور حسبی را حکم شمرده است، مانند ماده 324 قانون امور حسبی. در حقیقت رای دادگاه در صورتی حکم شمرده می‌شود که راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن باشد بنابراین یکی از عناصر حکم، وجود اختلاف است. (یعنی یک امر ترافعی باشد).

2- حکم از دادگاه صادر شده باشد؛ رای در صورتی می‌تواند حکم شمرده شود که از دادگاه صادر شود بنابراین رای داور، حکم نیست البته دیوان عدالت اداری، اگرچه دادگاه نیست اما رای آن، حکم شمرده می‌شود.

3- حکم راجع به ماهیت دعوا باشد؛ منظور از ماهیت دعوا همان موضوع دعوا است. به علاوه اموری که در ارتباط با روشن شدن موضوع دعوا است، مانند ادله، راجع به ماهیت شمرده می‌شوند.

4- حکم قاطع دعوا باشد؛ رای دادگاه در صورتی حکم شمرده می‌شود که در مورد ماهیت دعوا و قاطع آن باشد. منظور از رای قاطع، رأیی است که با صدور آن تکلیف دعوای طرح شده در دادگاه روشن شده و پرونده از آن مرجع خارج می‌شود.

### شیوه تنظیم و نگارش احکام

دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی، اقدام به صدور حکم می‌کند البته در صورتی که نتواند در همان جلسه حکم را صادر کند، حداکثر ظرف یک هفته رای را انشا و اعلام می‌کند. (ماده 295 قانون آیین دادرسی مدنی) در حال حاضر تقریباً در هیچ دادگاهی، در همان جلسه رای صادر می‌شود، رای صادر نمی‌شود و ظرف یک هفته هم شاید حکم انشا شود. به موجب ماده 296 قانون فوق، پس از پایان

رسیدگی و نوشته شدن حکم، دادرسی یا دادرسان نیز باید حکم را امضا کنند. در رای دادگاه باید نکاتی مانند تاریخ صدور رای، مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنها با قید اقامتگاه، موضوع دعوا و درخواست طرفین، جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رای بر اساس آنها صادر شده است و مشخصات و سمت دادرسی یا دادرسان دادگاه نوشته شود. برابر ماده 297 قانون آیین دادرسی مدنی، رای دادگاه باید ظرف پنج روز از تاریخ صدور، پاکنویس شده و به امضای دادرسی یا دادرسان صادرکننده رای برسد؛ یعنی به شکل دادنامه در بیاید.

## ابلاغ احکام

حکم دادگاه پس از اینکه به صورت دادنامه درآمد و دادرسی یا دادرسان آن را امضا کردند، باید به اصحاب دعوا ابلاغ شود. (ماده 300 قانون آیین دادرسی مدنی) مدیر دفتر دادگاه نباید رونوشت دادنامه را قبل از امضای دادرسی یا دادرسان به کسی تسلیم کند. (ماده 301 قانون فوق)

باید دانست که ابلاغ دادنامه دارای آثار مهمی است: از جمله اینکه تاریخ ابلاغ دادنامه، آغاز مهلت شکایت احتمالی از حکم است. دیگر اینکه تا زمانی که حکم به طرفین دعوا ابلاغ نشود نمی‌توان آن را اجرا کرد. (ماده 302 قانون آیین دادرسی مدنی) همچنین در صورتی که اصحاب دعوا از نتیجه رسیدگی دادگاه بی‌اطلاع باشند، به وسیله ابلاغ حکم از آن آگاه می‌شوند.

## تصحیح احکام ترافعی

گاهی اوقات ممکن است در نوشتن حکم اشتباهی رخ دهد؛ مثل اینکه کلمه ای از قلم بیفتد، نام و مشخصات اصحاب دعوا به اشتباه یا جا و جا نشود یا در محاسبات اشتباه صورت گیرد. به همین جهت ماده 309 قانون آیین دادرسی مدنی مقرر کرده است که در صورت رخ دادن چنین اشتباهاتی، تا زمانی که از حکم، درخواست تجدیدنظر نشده است، راساً یا به درخواست ذی‌نفع تصحیح می‌شود البته این تصحیح مربوط به الفاظ و کلمات حکم است نه در مورد ماهیت آن اما چنانچه نسبت به حکمی که در آن اشتباه صورت گرفته است، درخواست تجدیدنظر شود، دادگاه نخستین که حکم را صادر کرده است، حق تصحیح آن را ندارد. در این صورت طبق ماده 351 قانون آیین دادرسی مدنی، اگر حکم اشکال دیگری نداشته باشد، توسط دادگاه تجدید نظر اصلاح می‌شود.

## آثار احکام ترافعی

حکم اثر نسبی دارد یعنی تنها نسبت به طرفین دعوا قابل اجرا است. در هر حال حکم علاوه بر قدرت اجرایی آن (لازم‌الاجرا بودن)، دارای آثاری است:

1- قدرت اثباتی: حکم دادگاه با توجه به اینکه مطابق ماده 1287 قانون مدنی توسط مامور رسمی (قاضی)، در حدود صلاحیت او و با توجه به مقررات قانونی تنظیم شده است، می‌تواند به عنوان سند رسمی برای اثبات ادعایی در دادگاه مورد استناد واقع شود.

2- فراغ دادرسی: فراغ دادرسی به این معنا است که قاضی پس از صدور حکم دیگر نمی‌تواند در آن دخالتی کند و حکم را تغییر دهد. به عبارت دیگر قاضی توانایی قضاوت در آن دعوا را از دست می‌دهد. قاعده فراغ دادرسی با استثنائاتی روبرو می‌شود. به عنوان مثال دادگاه پس از صدور حکم می‌تواند تحت شرایطی آن را تصحیح کرده یا در صورت اجمال یا ابهام، آن را تفسیر کند. (ماده 27 قانون اجرای احکام مدنی)

3- اعتبار امر قضاوتی شده: اعتبار امر قضاوتی شده یکی از مهمترین آثار حکم است. این قاعده که در بند 6 ماده 84 قانون آیین دادرسی مدنی به آن اشاره شده است، پس از صدور حکم و قطعیت آن، اقامه دوباره دعوا را ممنوع می‌کند البته باید توجه داشت که حکم حتی اگر قطعی هم نباشد، دارای اعتبار امر قضاوتی شده است بنابراین وقتی حکمی هنوز قطعی نشده است، می‌توان نسبت به آن حکم اعتراض کرد اما طرح دوباره آن دعوا در مرحله نخستین ممنوع است.

4- قابلیت شکایت: از آثار مهم دیگر حکم این است که می‌تواند مورد شکایت متناسب قرار گیرد. شکایت از حکم به پنج طریق واخواهی، تجدیدنظر، فرجام، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث ممکن است مطرح شود. اما این امر به این معنی نیست که نسبت به تمام احکام، هر پنج طریق مذکور قابل استفاده است. مثلاً ممکن است نسبت به یک حکم

تنها راه شکایت درخواست تجدیدنظر از حکم باشد.

5- غیر قابل ابطال بودن: به این معنی که در هیچ صورتی نمی‌توان دعوایی در مرحله نخستین مطرح کرد که خواسته آن، بطلان یک حکم می‌باشد که همان دادگاه یا دادگاه دیگر صادر کرده است. بنابراین متضرر از حکم دادگاه، تنها می‌تواند از راه شکایت مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی استفاده کند.

تقسیم بندی احکام ترافیکی دادگاه

الف) حکم حضوری و غیابی: با توجه ماده 303 قانون آیین دادرسی مدنی، حکم دادگاه حضوری است مگر اینکه خوانده یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع نکرده یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد. اهمیت شناسایی حکم غیابی و حکم حضوری در این است که چنانچه حکم غیابی باشد، خوانده حق دارد از طریق واخواهی نسبت به حکمی که علیه او صادر شده است، اعتراض کند.

ب) حکم قطعی و غیر قطعی: حکم قطعی، حکمی است که مطابق قانون آیین دادرسی مدنی، هیچ یک از راه‌های شکایت (واخواهی و تجدیدنظر) را نمی‌توان نسبت به آن اعمال کرد. حکم غیرقطعی نیز مخالف آن است.

فایده این تقسیم بندی این است که احکام قطعی لازم الاجراست اما احکام غیرقطعی معمولاً قابل اجرا نیست.

ج) حکم اعلانی و حکم اعلامی: حکم اعلانی حکمی است که صرفاً به طرفین پرونده یا قائم مقام قانونی آنها ابلاغ و اعلام می‌شود. مثل حکم محکومیت به پرداخت مبلغی وجه نقد.

اما حکم اعلانی، حکمی است که از طریق نشر در جراید به اطلاع عموم مردم می‌رسد. مثل حکم اعلان ورشکستگی.